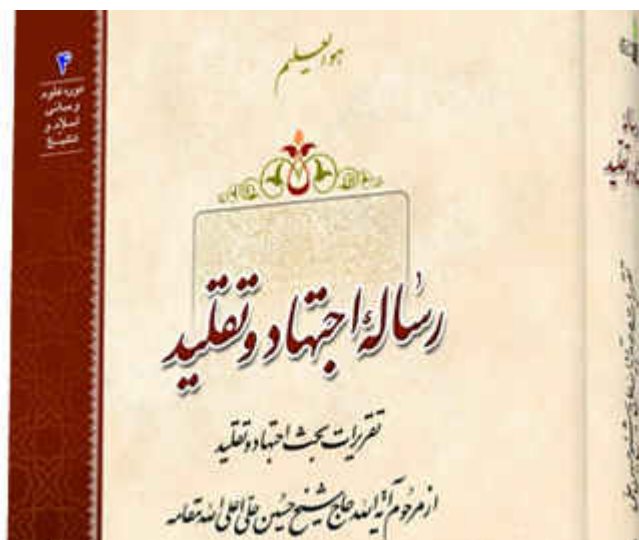


طرح بحث: اجتهاد و تقلید

طرح بحث: اجتهاد و تقلید

مخاطب: راهنمایی و دبیرستان



در زمان پیامبر (ع) و امامان ، مردم مسائل دینی و احکام شرعی خود را از معصومین(ع) ، یا افرادی که آنها مشخص می کردند، فرا می گرفتند، ولی با شروع عصر غیبت امام زمان (ع) مردم نمی توانستند به صورت مستقیم احکام الهی را از معصوم(ع) دریافت کرده و به آن عمل کنند، در نتیجه برای فهم دین و فراگرفتن احکام دینی به سراغ عالمان «دین شناس» می روند.

مجتهد و فقیه

شخصی که با بهره گیری از علوم و دانشهای لازم به حدی رسیده که می تواند وظایف و تکالیف دینی را از منابع آن استخراج نماید، «مجتهد» و «فقیه» نامیده می شود.

منابع و مدارک فقه

بخشی از برنامه های اسلام که وظیفه انسان را در میدان عمل مشخص می کند و شیوه درستکاری را می آموزد، احکام یا «فقه» نام دارد.

دو منبع اصلی و اساسی احکام و مسائل فقهی عبارت است از:

۱- کتاب خدا (قرآن)

۲- سنت معصومین (ع)؛ یعنی، گفتار و کردار و امضا و تأیید آن.

فقه و علوم دیگر

برای رسیدن به درجه اجتهاد و شناختن شیوه استنباط احکام، این علوم را باید فرا گرفت:

- ۱- ادبیات عرب (که شامل صرف، نحو، لغت، معانی، بیان و بدیع است)
- ۲- تفسیر قرآن مجید (در حد نیاز)
- ۳- منطق (دانش درست اندیشیدن و استدلال کردن)
- ۴- علم حدیث (شناخت احادیث صحیح و غیر صحیح و فهم معانی آنها)
- ۵- علم رجال (شناخت راویان حدیث)
- ۶- اصول فقه (شناخت شیوه استخراج احکام از منابع آن)

اجتهاد و تقلید

دین اسلام مردم را به تحصیل علم و افزودن آگاهی در مسائل مورد نیاز زندگی از جمله احکام دینی تشویق و ترغیب کرده و دانش آموختن را بر هر زن و مرد واجب دانسته است.

شناخت دین و احکام آن دو گونه است: «تفصیلی» و «اجتهادی» و شناخت «اجمالی» یا «تقلیدی»، هر چند خواسته اولیه و مورد نظر اسلام شناخت تفصیلی است ولی از آنجا که هم مردم نمی توانند در تشخیص و استخراج احکام الهی از منابع آن به حد اجتهاد و تخصص لازم برسند و تنها عده کمی به این امر موفق می شوند وظیفه سایر مردم در احکام دینی «تقلید» و پیروی از مجتهدان است. مجتهد و فقیهی که مردم در زمین مسائل و احکام دینی از او تقلید می کنند «مرجع تقلید» نام دارد.

دیدگاه دین در مورد تقلید

روایاتی که از پیشوایان معصوم (ع) به دست ما رسیده، وظیفه مردم را تقلید از «فقیه جامع الشرایط» یعنی مرجع تقلید معرفی کرده است و ما به یک روایت که از امام دوازدهم (ع) رسیده است، بسنده می کنیم:

در پیشامدها به روایان حدیث مراجعه کنید، آنان بر شما حجّت و راهنمایند و من بر آنان حجّت و راهنمایم^۱

تقلید یا اطاعت از وحی

وحی الهی توسط جبرئیل (ع) بر پیامبر (ع) نازل شده و توسط آن بزرگوار به مردم ابلاغ و از زبان امام معصوم (ع) تفسیر و تبیین شده است.

در زمان غیبت، مرجع تقلید، مسائل دینی را با استفاده از وحی الهی و سنّت معصومین (ع) به ما می رساند و با خصوصیات که عقل و دین

برای او تبیین کرده، سخنی از روی خواسته و سلیقه خود نمی گوید، بلکه آنچه را که از وحی فهمیده، باز می گوید، بنابراین تقلید از او؛ یعنی اطاعت از وحی الهی است که توسط او به دست ما رسیده و بالاتر این که اطاعت از انبیاء نیز اطاعت از «شخص» نیست، بلکه اطاعت از «وحی» است.

خداوند به پیامبر(ع) در مورد پیروی از پیامبران پیشین می گوید: < فبهديهم اقتده > «از هدایت و وحی الهی که بر آنان فرو فرستادیم، پیروی کن»^۲

ویژگیهای مرجع تقلید

کسی که مرجع امور دینی مردم می شود و مسئولیت خطیر «مرجعیت» را به عهده می گیرد، باید علاوه بر تخصص علمی، از ویژگیهای روحی و اخلاقی والایی برخوردار باشد، تا مطمئن شویم که طبق سلیقه خود سخن نمی گوید و آنچه را که از کتاب و سنت به دست آورده، بی کم و کاست بیان می کند.

مرجع تقلید باید دارای این ویژگیها باشد:

۱- عادل باشد.

۲- بالغ و عاقل باشد.

۳- زنده باشد.

۴- مرد باشد.

۵- شیعهی دوازده امامی باشد.

۶- و بانبر احتیاط واجب اعلم بوده و حریص به دنیا نباشد. (۱)

توضیح:

۱- عادل کسی است که گناه کبیره (گناهی است که بر آنها وعدهی عذاب و آتش داده است، مانند دروغگویی و ربا خواری) از او سر نزند و گناه صغیره را تکرار نکند. (۲)

۲- کسی که تازه به سن بلوغ رسیده است، یا تاکنون تقلید نمی‌کرده، باید از مجتهد زنده تقلید کند و نمی‌تواند از مجتهدی که از دنیا رفته است تقلید کند. (۳)

۳- بانوان نیز می‌توانند در رشته‌های علوم دینی تحصیل کنند و به حد^۳ اجتهاد برسند، ولی مسئولیت سنگین مرجعیّت از عهد^۴ آنان برداشته شده است و این از منزلت زن نمی‌کاهد.

۴- مرجع تقلید باید از دیگر مجتهدان زمان خود اعلم باشد، یعنی در استخراج احکام از منابع دینی از دیگران ورزیده‌تر باشد. (۴)

۵- رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیه الله خامنه‌ای (دامت برکاته) شناخت مجتهد نسبت به اوضاع زمان را، به مقداری که در تشخیص موضوعات احکام و اظهار نظر جدید فقهی دخالت دارد، لازم می‌داند. (۵)

راههای شناخت مرجع تقلید

انسان دانا و عاقل بی‌دلیل و بدون تحقیق مطلبی را نمی‌پذیرد و کسی را در جایگاه خطیر مرجعیّت نمی‌پذیرد.

مرجع تقلید را از سه راه می‌توان شناخت:

۱- خود انسان یقین کند، مثلاً خودش از عالمان دینی باشد و بتواند مرجع تقلید را شناسایی کند.

۲- دو نفر عادل از عالمان علوم دینی که قدرت تشخیص مجتهد و اعلم را دارند مرجع تقلید را معرفی کنند، به شرط آن که دو عالم عادل دیگر با گفته آنان مخالفت نکنند.

۳- گروهی از عالمان علوم دینی که قدرت تشخیص مجتهد و اعلم را دارند و از گفته‌ی آنان اطمینان پیدا می‌شود مرجع تقلید را معرفی کنند. (۶)

بنابراین در این مسأله، زن تابع شوهر و فرزند تابع پدر و مادر نیست و هر کس خودش آزاد است که تحقیق کند و مرجع تقلید را بشناسد، هر چند استفاده از راهنمایی دیگران اشکال ندارد.

راههای به دست آوردن فتوای مجتهد

پس از شناخت مرجع تقلید از راههای مختلف میتوان فتوای او را به دست آورد که عبارت است از:

(*) شنیدن از خود مجتهد، مثلاً از او سوال کنیم و پاسخ بگیریم.

(*) شنیدن از دو نفر یا یک نفر عادل.

(*) شنیدن از یک نفر راستگو و مورد اطمینان.

(*) دیدن در رساله‌ی مجتهد.^(۷)

چند اصطلاح فقهی

وقتی به رساله‌ی مجتهد مراجعه می‌کنیم، گاهی مرجع تقلید نظر خود را به طور صریح و روشن بیان کرده است، مثلاً گفته است: «توبه، از گناه واجب است» یا «مسخره کردن دیگران حرام است».

«حیوانی که به دستور اسلام ذبح شود پاک است» و «مُردار نجس است»، اینگونه نظر دادن را «فتوا»

می‌گویند و کسی که از او تقلید می‌کند باید مطابق این نظر عمل کند.

گاهی مجتهد همراه با اعلام نظر قطعی به عنوان «فتوا» توصیه به احتیاط نیز کرده است که به آن «احتیاط مستحب» می‌گویند و در این صورت انسان باید به آن فتوا عمل کند یا به احتیاط مستحب؛ ولی عمل به آن احتیاط بهتر است.

مانند این مساله:

«اگر انسان نداند بدن یا لباس نجس است و بعد از نماز بفهمد نجس بوده، نماز او صحیح است، ولی احتیاط آن است که اگر وقت دارد نماز

را دوباره بخواند.»^(۸)

